

راز بقای دولت رانتیه در تاریخ ایران معاصر (۱۳۶۸-۱۳۸۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۶

سیروس سپهدارنیا^{۱*}

علیرضا سمیعی اصفهانی^۲

چکیده

نوشتار حاضر در پی سنجش سهم و تأثیر منافع، ارزش‌ها و رویه‌های دولت رانتی و همچنین نیروهای اجتماعی پشتیبان آن به‌مثابه نیروی نهادین تاریخی، در تعیین بخشی به ساختار اقتصاد سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی است. از این رو، پرسش اصلی پژوهش این است که چرا انقلاب اسلامی ایران که مدعی دراندازی طرحی نو در ساختار سیاسی- اجتماعی ایران به ویژه دگرگون ساختن عرصه اقتصاد بود؛ نتوانست تحولی ژرف در این عرصه پدید آورد و در نتیجه اقتصاد ایران همچنان بر مدار دولت رانتی می‌چرخد؟ به عبارت روشن‌تر کدام نیروها، منافع و انگیزه‌هایی باعث تداوم حرکت دولت‌های پس از انقلاب، به ویژه دولت‌های سازندگی و اصلاحات (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴)، در مسیر دولت رانتی شدند؟ یافته‌های پژوهش که از منظر جامعه‌شناسی تاریخی و اقتصاد سیاسی و با بهره‌گیری از منظومه نظری نهادگرایی تاریخی و دولت رانتی‌زمین‌نگاهی به پیشینه دولت رانتی در ایران؛ عملکرد دولت‌های سازندگی و اصلاحات و نسبت میان چهار مفهوم یا متغیر اصلی- نفت، دولت، نهادها و توسعه- را مورد سنجش و بررسی قرار داده است؛ نشان می‌دهد که تزریق پترودولار یا دلارهای نفتی در عصر پهلوی دوم به پیکر اقتصاد ایران، به پیدایش رویه‌های نهادی خاص نفتی (شامل نظام بودجه‌ریزی، ارزآوری، ضعف بخش خصوصی و وابستگی طبقات اجتماعی...) در حوزه تصمیم‌گیری و شیوه حکمرانی، منتهی شد به گونه‌ای که دولت‌های پس از انقلاب نیز به رغم دگرگونی‌های شگرفی که انقلاب در بسیاری از ارزش‌ها و ساختارهای پیشین بوجود آورد نتوانستند؛ از کمند نظم دیوانسالارانه و رویه‌های نهادین نفتی و همچنین فرهنگ و علایق نیروها و کنش‌گران اجتماعی پشتیبان چنین نظامی رهایی یابند و در عوض زمینه اتکاء بیش‌ازپیش رژیم جدید به الگوی «وابستگی به مسیر طی شده» و بازتولید دولت رانتی در عرصه اقتصاد سیاسی فراهم گردید.

واژگان کلیدی: دولت رانتی ایران، نهادهای نفتی، نهادگرایی تاریخی، جامعه‌شناسی تاریخی، وابستگی به مسیر.

(صفحه ۱۴۲-۱۱۵)

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج (sirus1562@gmail.com)

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول: asamiei@yu.ac.ir)

مقدمه

نهادهای و نیروهای پایبند این نهادها به شکل مجموعه‌ای از قوانین، در پیدایش کنش‌ها و چارچوب‌یابی آن‌ها نقش ایفا می‌کنند. یکی از دلایل مهم بروز چالش در روند توسعه، وجود چارچوب نهادی ناکارا و نیروهای پایبند به آن است. در این راستا در دوره پهلوی دوم، رژیم نهادین نفتی شکل گرفت و پس از انقلاب اسلامی نیز به‌رغم ایجاد دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی، همچنان به حیات خود ادامه داد. این ساختار نفتی بیمار همواره و به ویژه در مواقع بحرانی شوک‌های اساسی و جبران‌ناپذیری به تن رنجور اقتصاد ایران وارد و روند توسعه را با چالش‌های بنیادین روبرو ساخته است. نمونه اخیر آن، فشارهای ناشی از خروج امریکا از برجام و تشدید تحریم‌های ظالمانه نفتی امریکا و غرب علیه ایران است. به عبارت روشن‌تر، به‌واسطه ادامه حیات ساختار دولت رانتیر و وابستگی عمیق این دولت به درآمدهای نفتی؛ دولت‌های پس از انقلاب همواره در برابر تحریم‌های نفتی غرب دچار شوک‌های شدیدی شدند؛ از این رو حیات و همچنین نحوه عملکرد دولت رانتی به چالشی مهم برای اقتصاد سیاسی ایران بدل گردیده است. با این توصیف، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که چرا انقلاب ایران که از جهت‌گیری‌های اسلامی نیرومندی برخوردار و مدعی شکل‌دادن به الگوی جدیدی در تمام عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بود؛ نتوانست نظام اقتصاد سیاسی کشور را دگرگون سازد. به عبارت روشن‌تر علل بقا و پایداری ساختار دولت رانتیه در ایران، به ویژه دوران سازندگی و اصلاحات کدام نیروها، منافع و انگیزه‌ها بودند؟ این پژوهش، ضمن بهره‌گیری از جداول و داده‌های آماری دقیق، با ابتدای به رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی و اقتصاد سیاسی و بهره‌گیری از نظریه نهادگرایی تاریخی و دولت رانتیر، ضمن نگاهی به پیشینه شکل‌گیری دولت رانتی در عصر پهلوی دوم، نسبت میان چهار مفهوم یا متغیر اصلی- نفت، دولت، نهادها و توسعه- را در عملکرد اقتصادی دولت‌های سازندگی و اصلاحات مورد بررسی و تحلیل قرار داده و نشان می‌دهد که چگونه منافع، علایق و رویه‌های نهادین نفتی شکل گرفته در رژیم پیشین همچنان بر ذهنیت نخبگان تصمیم‌گیر در لحظه سازنده تاثیرگذار بوده و موجب اتکاء بیش‌ازپیش دولتمردان جدید به الگوی «وابستگی به مسیر طی شده» در عرصه اقتصاد سیاسی ایران را فراهم نموده است.

الف) مروری بر پیشینه تحقیق

تریلین کارل (۱۳۸۸) در کتاب «معمای فراوانی، روتق‌های نفتی و دولت‌های نفتی» معتقد است که شکل‌گیری نهاد دولت در کشورهای نفت‌خیز به شدت متأثر از درآمدهای نفتی است. در این دولت‌ها، رویه‌ها و ارزش‌های نهادی خاصی در زمینه کشورداری شکل می‌گیرد که به‌سادگی قابل‌تغییر نیست؛ در نتیجه در زمان بحران و کاهش درآمدهای نفتی معمولاً امکان اصلاح فرایندهای غلط تصمیم‌گیری در این حوزه‌ها امکانپذیر نیست. اگرچه این کتاب از نظر پرداختن به موضوع نفت و دولت رانتیه و ثبات آن با سنت جامعه‌شناسی تاریخی با مقاله مورد پژوهش ما شباهت دارد؛ ولی نویسنده بیشتر با نگاهی کلان به بررسی آثار وابستگی به نفت و ویژگی‌های دولت‌های رانتیه و ثبات دولت رانتیه پرداخته است.

حسین مهدوی (۱۹۷۰) در کتاب «دشواریهای توسعه اقتصادی در دولت‌های رانتی» نخستین کسی است که با ارائه آمار و ارقام، نظریه دولت رانتی یا تحصیل‌دار را برای تبیین ماهیت دولت مدرن در دوره حکومت محمدرضا پهلوی به کار برد. به عقیده او، دولت شاه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هجری شمسی با دولت‌های پیشین تفاوت‌های چشم‌گیری داشت؛ تفاوت اصلی به نحوه تأمین درآمدهای دولت، مربوط می‌شد. با ترقی قیمت نفت در ابتدای دهه ۵۰ و افزایش نجومی درآمدهای نفتی، دولت پهلوی به یک دولت تحصیل‌دار تمام معیار بدل گردید. درآمدهای سرشار نفتی باعث کاهش درآمدهای مالیاتی، گسترش بوروکراسی و همچنین کاهش مقبولیت و مشروعیت حکومت و شخص شاه شد.

رابرت لونی (۱۹۸۲) در کتاب «ریشه‌های اقتصادی انقلاب ایران» معتقد است که دلیل اصلی سقوط رژیم شاه مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی مانند فقدان استراتژی کشاورزی، هزینه‌های سنگین دولت بود که در نهایت به تورم و شکاف گسترده درآمدها منجر گردید. به اعتقاد وی توسعه اقتصادی نفت پایه، باعث رشد تولید و تجارت در محیطی کاذب شد و آن را از مسیر اصلی خود منحرف گردانید. سمیعی اصفهانی و عباسی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «دولت رانتی و چالش‌های دولت‌سازی در عصر پهلوی دوم (۱۳۳۲-۱۳۵۷)» به بررسی تأثیر دلارهای نفتی بر فرایند دولت‌سازی در ایران دوره پهلوی دوم پرداخته‌اند و معتقدند که اتکای دولت پهلوی به درآمدهای نفتی باعث اختلال در عملکرد دولت مدرن شد و سیاستگذاری‌های توسعه را با چالش‌های بسیاری روبرو کرد.

امیرمحمد حاجی یوسفی (۱۳۸۷) در کتاب «دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران» می‌نویسد: دولت و جامعه‌ای که رانتیر است به علت وجود درآمد رانتی، نیاز ضروری به ایجاد توسعه غیرنفتی را

احساس نمی‌کند و تا چنین احساسی شکل نگیرد؛ دولت به دنبال توسعه نمی‌رود. اگرچه این کتاب از نظر پرداختن به موضوع توسعه و نفت و دولت دارای شباهت‌هایی با موضوع پژوهش حاضر است؛ اما بیشتر بر دوره پهلوی تمرکز دارد. درحالی‌که مقاله حاضر بر دلایل دوام ساخت رانتی دولت در دوره سازندگی و اصلاحات تمرکز کرده است.

میرترابی (۱۳۹۵) در مقاله «دلایل استمرار ساخت رانتیری دولت در دوران پس از انقلاب» به دنبال علل وابستگی دولت ایران به دلارهای نفتی است و به این نتیجه می‌رسد که تصمیم‌های نخبگان انقلابی برای مقابله با چالش‌ها در سال‌های اولیه پس از انقلاب باعث استمرار وابستگی دولت ایران به نفت شدند. این مقاله نیز فقط به سال‌های اولیه پس از انقلاب پرداخته و همچنین علت استمرار ساخت رانتیه دولت ایران را تصمیمات نخبگان جهت عبور از مشکلات و فشارها عنوان می‌کند. افزون بر این، روش مورد بررسی در مقاله موصوف، روش توصیفی و تحلیلی است در حالی‌که پژوهش حاضر با استفاده از روش جامعه‌شناسی تاریخی، تلاش کرده است؛ مساله پژوهش را مورد بررسی قرار دهد.

ب) مبانی مفهومی و نظری

شالوده نظری پژوهش حاضر ترکیبی از رویکردهای جامعه‌شناسی تاریخی و نظریه نهادگرایی تاریخی و دولت رانتیر است. جامعه‌شناسی تاریخی معتقد است؛ تغییرات در جامعه، بر مبنای ارتباط بین تاریخ و اجتماع در آن جامعه شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر تغییر در هر جامعه‌ای تابع جریان تاریخ آن جامعه است. «جامعه‌شناسی تاریخی مطالعه گذشته برای پی بردن به این امر است که جوامع چگونه کار می‌کنند و تغییر می‌یابند» (هابدن، ۱۳۷۹: ۶۱). یکی از ویژگی‌های جامعه‌شناسی تاریخی، توجه به قاعده‌مندی‌های علی است؛ یعنی وجود یک زنجیره علی معین در هر مورد مشخص تاریخی بین زمینه‌ها یا عوامل و تغییرات (منوچهری، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۱۶۵). بنابراین وقوع تغییر در یک جامعه بر مبنای گذشته آن جامعه و نیز تحولات اجتماعی آن جامعه صورت می‌گیرد. لذا از آنجا که هر جامعه‌ای گذشته خاص خود را دارد؛ برای رسیدن به مرحله کنونی خود، باید از مراحل خاص خود عبور کند. در مجموع جامعه‌شناسی تاریخی تلاش می‌کند؛ تا بر مبنای عوامل درونی به تحلیل واقعیات کنونی و عوامل ایجادگر این واقعیات اقدام نماید. درواقع جامعه‌شناسی تاریخی به بررسی الگوهای ثابت و دگرگونی اجتماعی درگذر زمان‌های گذشته می‌پردازد (محسنی، ۱۳۷۶: ۱۷).

به عبارت دیگر هر جامعه‌ای حاصل ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی خاص خود است که «حال» یک جامعه را شکل می‌دهد؛ در نتیجه به تعداد جوامع مختلف «حال متفاوت» وجود دارد.

از دید نهادگرایی تاریخی نهادها، پدیده‌های تکوین یافته در پروسه تاریخی، به عنوان میراثی برای آینده باقی می‌مانند و اهداف کنشگران و نیز مسیر تحقق آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این اثر شکل دهنده به عنوان وابستگی به مسیر، یا اثر قدرتمند گذشته بر آینده، نام می‌برند (کازمی، ۱۳۹۲: ۹). به محض آنکه خط مسیر توسعه بر روی مسیری خاص تنظیم شود، روند یادگیری سازمان‌ها و مدل‌های ذهنی که به نحوی تاریخی اقتباس شده‌اند؛ این مسیر را استحکام می‌بخشند که از آن با عنوان وابستگی به مسیر طی شده یاد می‌شود (نورث، ۱۳۷۷: ۱۵۷ و ۱۶۰). اگر دامنه گزینه‌های در دسترس تصمیم‌گیران در یک نقطه معین زمانی تابعی از نهادهای مستقر در دوره گذشته باشد؛ زمانی که کشوری مسیر توسعه‌ای خاصی را نشان می‌کند؛ یک نوع "گیر افتادن و محبوس شدن" اتفاق می‌افتد (کارل، ۱۳۸۸: ۳۶).

کنشگران در بیشتر زمان‌ها از قواعدی که به شکل اجتماعی تعریف شده‌اند و نهادهایی که در فرایند تاریخی شکل گرفته‌اند؛ پیروی می‌کنند؛ حتی اگر این قواعد و نهادها در راستای منافعشان نباشد (Steinmo, 2008: 7). لذا در نحوه شکل‌گیری و تغییر نهادی باید به مقوله «تاریخ و منازعه سیاسی اجتماعی بازیگران» توجه کرد «برای درک شکل‌گیری نهادها، باید به تاریخ جوامع مراجعه نمود و آگاهی یافت که نهادها محصول چه فرایندی بوده و چگونه تکوین یافته و در پس‌زمینه آن‌ها چه نیروها و منافع متضادی درگیر بوده‌اند» (Dodd & Jillson, 1994: 312). نهادهای سیاسی برآیندی از منازعه میان نیروهای اجتماعی و سیاسی است؛ با این حال، چنانچه نیروهای اجتماعی در موقعیتی احساس کنند که نهادهای خاص، منافع آن‌ها را تأمین نمی‌کنند برای تغییر آن اقدام خواهند کرد» (Knight, 1992: 174).

نهادها با قدرت تأثیرگذاری خود باعث تداوم وابستگی به مسیر می‌شوند؛ «نهادهای سیاسی با تأثیرگذاری بر منافع کنشگران اجتماعی، رفتار آن‌ها را در جهت خاصی سوق می‌دهند»- 1989: 159 (March & Olsen, 164). کنشگران درون نقش‌هایی که نهادها تعریف می‌کنند؛ قرار می‌گیرند و در قالب شرح وظایف تعریف شده در آن نقش‌ها، تعاملاتشان را هدایت می‌کنند (Knight, 1992: 15). نهادها همچنین باعث دوام کنش‌ها می‌شوند؛ یعنی نهادها با تعیین و تثبیت شیوه‌های مقبول عمل و نیز فراهم کردن و ارائه اطلاعات مورد نیاز کنشگران، سبب کاهش بی‌اطمینانی می‌شوند (North, 1990).

6. نهادها با تأثیرگذاری بر محاسبات عقلانی بازیگران، باعث سوق یافتن الگوی رفتاری و انتخاب‌های استراتژیک کنشگران به مسیری مشخص می‌شوند. (Jesi & Wiliamz, 2005: 10).

از سوی دیگر نظریه دولت رانتیر معتقد است؛ دولت‌های تحصیل‌دار، مقادیر قابل‌توجهی از رانت‌های خارجی را که به‌وسیله‌ی دولت‌ها یا بنگاه‌های خارجی پرداخت می‌گردد؛ به شکل منظم دریافت می‌دارند (Mahdavi, 1970: 428). از نظر ببلاوی ویژگی‌های عمده دولت رانتیر از این قرار است: (۱) هر کشوری که ۴۲ درصد از تولید ناخالص ملی‌اش از رانت خارجی باشد؛ (۲) این رانت‌ها باید از خارج کشور تأمین شود؛ (۳) درصد بسیار کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت هستند. لذا اکثر افراد جامعه دریافت‌کننده یا توزیع‌کننده رانت هستند؛ (۴) دولت رانتیر دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است (Beblavi, 1987: 45-50). رانت جویی، گروه‌های فشار بسیار قدرتمندی را ایجاد می‌نماید که قادرند سدی در برابر اصلاحات ضروری اقتصاد ایجاد کنند (Sachs and warne, 1997: 2). دولت رانتیر نه تنها انحصار دریافت رانت را داراست، بلکه هزینه کردن رانت‌ها را نیز در اختیار انحصاری خود دارد. بدین خاطر به یک مؤسسه‌ی توزیع درآمدهای حاصل از مواهب الهی یا به یکی از اصلی‌ترین نهادهای سرمایه‌گذار و اشتغال‌زا تبدیل می‌شود (ازغندی، ۱۳۸۵: ۴۰). از آنجاکه دولت رانتی تنها دریافت‌کننده‌ی درآمدهای نفتی است؛ دخالت در تمام جنبه‌های زندگی مردم صورت می‌گیرد و همین امر موجب قدرتمندتر شدن دولت رانتیر می‌شود (اسکاچپول، ۱۹۸۲: ۷۵). در ادامه با بهره‌گیری از چارچوب ترکیبی نظری نهادگرایی تاریخی و جامعه‌شناسی تاریخی و دولت رانتیه، چرایی و چگونگی پایداری ماهیت رانتی در سیاست‌گذاریهای اقتصادی-اجتماعی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران تبیین می‌گردد. (نمودار شماره ۱)

اما پیش از ورود به بحث اصلی لازم است در مورد چند مفهوم کلیدی این پژوهش مانند لحظه‌های سازنده، نخبگان تصمیم‌گیر، وابستگی به مسیر توضیح مختصری ارائه گردد.

لحظه‌های سرنوشت‌ساز: همان مقاطع مهمی که گروه‌های حاکم، ایده‌ها و سیاست‌هایی را برای اصلاح ساختار اقتصادی و سیاسی کشور در پیش می‌گیرند. در این مقاله، به‌طور مشخص شامل سیاست‌های دولت پهلوی در دهه ۳۰ و ۴۰، برنامه‌های اول و دوم توسعه که در دوره سازندگی جهت تغییر مسیر دولت نفتی و اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی اعمال شدند و همچنین برنامه سوم توسعه که در دوره اصلاحات برای شکل دادن به یک حساب ذخیره ارزی و تغییر ساختار اقتصادی اجرا شد.



نمودار ۱. الگوی نظری پژوهش

نخبگان تصمیم گیر: نخبگان صاحب قدرتی که در لحظات تاریخی سرنوشت ساز منشاء تصمیم گیری های اقتصادی سیاسی بوده اند. در این مقاله به طور مشخص به پهلوی دوم، هاشمی رفسنجانی در مقام رئیس جمهور همراه با کابینه وزرای سازندگی و خاتمی در مقام رئیس جمهور همراه با کابینه وزرای اصلاح طلب اشاره دارد.

پ) تحلیل داده ها

۱- دولت رانتی به مثابه نهادی تاریخی؛ نگاهی گذرا به «مسیر طی شده» در عصر پهلوی در دوره بین سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷، افزایش درآمدهای نفتی به عنوان مهم ترین ابزار دولت رانتی

به افزایش نقش اقتصادی دولت انجامید و آن را به مهم‌ترین نهاد اشتغال‌زا و سرمایه‌گذار (با توجه به ضعف بخش خصوصی) در کشور تبدیل کرد. در این چند دهه، وابستگی دولت به درآمدهای نفتی به حدی بود که بسیاری از تحلیل‌گران اقتصاد سیاسی ایران بر پایه آمار و ارقام اقتصادی، رژیم پهلوی دوم را دولتی تحصیل‌دار یا رانتی نامیدند. در دهه ۴۰ و ۵۰ ش، ایران به چهارمین تولیدکننده عمده نفت و دومین صادرکننده این ماده خام در جهان تبدیل گردید. میزان درآمد نفت که در سال ۱۳۴۲، ۵۵۵ میلیون دلار بود در سال ۱۳۴۷ به ۹۵۸ میلیون دلار، در سال ۱۳۵۰ به ۲/۱ میلیارد دلار، در سال ۱۳۵۳ به ۵ میلیارد دلار و پس از چهار برابر شدن قیمت نفت در بازارهای جهانی، در سال ۱۳۵۵ به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسید. در سال‌های بین ۵۳-۱۳۴۳ کل درآمدهای نفتی به ۱۳ میلیارد دلار و از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ به ۳۸ میلیارد دلار رسید. (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۵۲۵). بر اساس آمار و ارقام ارائه شده توسط حسین مهدوی، افسانه نجم‌آبادی و مسعود کارشناس، درآمدهای نفتی کشور، یک سوم بودجه دولت در سال ۱۹۵۴ را تشکیل می‌داد. در نیمه دوم دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۶۰ نزدیک به نیمی از بودجه دولت را رانت تشکیل می‌داد (Karshenas, Mahdavi, 1970:455; Najmabadi, 1987:215). بدین ترتیب دولت رانتی پهلوی دوم، سیاست تزریق درآمدهای نفتی به جامعه و دولت را جهت سامان‌بخشی به اقتصاد سیاسی در پیش گرفت.

تحلیل عملکرد دولت رانتی در حوزه اقتصاد سیاسی این دوره بر پایه متغیرهای چهارگانه مورد نظر این پژوهش نشان می‌دهد که بخش‌های مختلف اقتصادی، رشد و گسترش خود را به طور عمده مدیون پرداخت‌ها و حمایت‌های دولتی بودند. برای نمونه در بخش خصوصی «سیاست دولت پهلوی، توزیع درآمدهای نفتی در میان صاحبان صنایع جهت صنعتی‌شدن، بود» (Ashraf, 1969:262). از این رو بیشتر بخش خصوصی دریافت‌کننده و یا توزیع‌کننده امتیازات رانتی بودند. بودجه دولت نیز رابطه مستقیمی با درآمدهای نفتی داشت. «درآمدهای نفتی، به طور مستقیم عاید دولت می‌شد بنابراین کل سیستم اقتصادی و اجتماعی، به حجم و استراتژی هزینه‌ای دولت وابسته بود» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۷۸). بنابراین قسمت اعظم بودجه دولت ارتباط کمی با فرایندهای تولید داخلی داشت. در خصوص قدرت ارزآوری نفتی نیز محمدرضا شاه با داشتن درآمدهای نفتی، رغبتی به سرمایه‌گذاری در قسمت ارزآوری مواد غیرنفتی نداشت که این سیاست باعث بی‌توجهی به صادرات و زوال توان ارزآوری صادرات مواد غیرنفتی شد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. وابستگی ارزآوری کشور به دلارهای نفتی طی سال های مختلف

سال	۱۳۲۴-۶	۱۳۳۴-۶	۱۳۴۴-۶	۱۳۵۴-۶
سهم درصد ارز خارجی حاصل از بخش نفت	۵۳/۶	۵۷/۴	۵۳/۹	۱۰۰
درصد حاصل ارزی بخش نفت به کل صادرات	۵۳/۶	۶۵	۷۴/۴	۸۳/۸

(کارشناس، ۱۳۸۲: ۱۲۷)

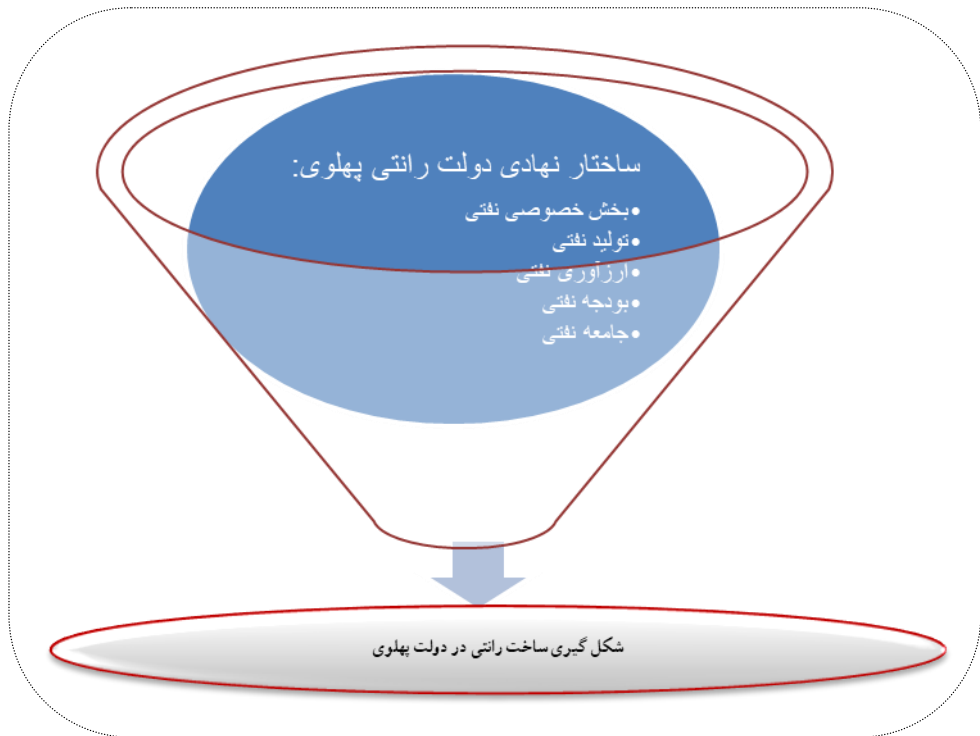
در حوزه تولید نیز محمدرضا شاه با تزریق درآمدهای نفتی به بخش تولید، موجب وابستگی شدید این بخش به رانت نفتی گردید. طبق آمار، بیش از ۵۰ درصد مواد اولیه و سرمایه‌ای، از کشورهای خارجی و از طریق دلارهای نفتی، وارد می‌شد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. منابع تأمین کننده سرمایه‌گذاری در لوازم کسب و کار و ماشین‌آلات (درصد)

سال	۱۳۳۹-۴۱	۱۳۴۲-۶	۱۳۴۷-۵۱	۱۳۵۲-۵	۱۳۵۶-۷
از منابع تولیدات داخلی	۲۸/۴	۴۳/۳	۴۰/۲	۴۴/۹	۴۶/۵
از منابع واردات	۷۱/۶	۵۸/۷	۵۹/۸	۵۵/۱	۳۵/۵

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی

و در نهایت عملکرد دولت رانتی پهلوی دوم در رابطه با جامعه، مشوق سیاست ویرانگر کلاینتالیستی بود. به گفته آبراهامیان «دولت ایران که ساختاری پاتریمونیال داشت؛ توانست با استفاده از منابع عظیم نفتی، احزابی دولتی ایجاد کند که نه تنها کارکردهای احزاب در جوامع دموکراتیک را نداشتند؛ بلکه به گسترش و تعمیق رابطه حامی - پیرو نیز که از ویژگی‌های کشورهای رانتیر است؛ کمک کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۱۶). افزون بر این، در پی افزایش درآمدهای نفتی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ دستگاه بوروکراسی به طرز چشمگیری گسترش یافت و نقش مهم تری در پیشبرد برنامه‌های توسعه و رهبری اصلاحات اقتصادی و اجتماعی به‌عهده گرفت. «طی سال‌های ۱۹۵۶-۷۶ تعداد کارکنان دولتی بیش از ۶۰۰ درصد افزایش یافت. در سال ۱۹۷۶ حدود ۲۰ درصد خانوارهای شهری به دولت وابسته بودند» (نصری، ۱۳۸۰: ۱۶۲). نتیجه چنین سیاستی، حاکم شدن ذهنیت رانتی، به وجود آمدن طبقات اقتصادی وابسته به دولت، عدم توجه به ارزش‌های مثبت مانند کار و تولید و توجه بیشتر به ارزش‌های منفی مانند رشوه و رانت‌جویی بود. (نمودار شماره ۲)



نمودار شماره ۲: شکل‌گیری ساختار رانتهی دولت پهلوی

۲) خصایل پایدار دولت رانتهی؛ از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی

اگرچه یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب، اقتصاد بدون نفت و کاهش بودجه دولتی به درآمدهای حاصل از صادرات نفتی بود؛ عواملی مانند ماهیت مردم‌گرایانه و تعهدات ایدئولوژیک انقلاب، آرمان‌گرایی انقلابی، قانون اساسی دولت‌محور و هم‌چنین وقوع جنگ طولانی با عراق، تداوم ایده دولت‌گرایی و سلطه دولت بر اقتصاد و وابستگی آن به درآمدهای نفتی را تشدید کرد. در سال‌های آغازین انقلاب، جهت‌گیری‌های سوسیالیستی بر ساختار اقتصاد غالب و دولت ابزار اصلی برای تأمین عدالت اجتماعی به شمار می‌آمد. در حقیقت در دوره تصدی مهندس موسوی، اقتصاد به‌طور عمده با گرایش چپ در کشور حاکم شد؛ در نتیجه اقتصاد دولتی مبنی بر برنامه‌ریزی و تمرکز گسترده، ساماندهی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ضرورت تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب، به‌ویژه در زمینه عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های درآمدی و منطقه‌ای، هم‌چنین دستیابی

به خودکفایی و خوداتکایی موجب شد نظام حقوقی - اقتصادی خاصی در قانون اساسی طراحی شود که نتیجه آن پایه‌گذاری اقتصاد دولتی بود (دژپسند و رثوفی، ۱۳۹۰). ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در همین راستا بود (پورکاظمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰)؛ بدین ترتیب برپایی یک جامعه آرمانی اسلامی توأم با عدالت توزیعی در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت. با این نگرش بود که پایه‌های حقوقی یک دولت رفاه بر بستر یک اقتصاد عقب‌مانده متکی به درآمدهای نفتی با یک نظام مالیاتی ناکارآمد در ایران گذاشته شد (هادی زنور، ۱۳۹۲: ۳۰۳).

افزون بر این، مسئله جنگ نیز به تقویت ایده دولت‌گرایی دامن زد؛ بدون تردید اداره امور جنگ خود درگرو برپایی یک نظام اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده دولتی بود. جنگ ایجاب می‌کرد؛ بخشی از مایحتاج مردم از طریق کوپن توزیع شود. این مسائل باعث ایجاد نوعی بوروکراسی شد که توزیع ارزاق را از طریق کوپن تأمین می‌کرد و به‌نوبه خود موجب گرایش بیشتر به سمت اقتصاد دولتی شد. دولت مجبور بود هرروز به وسعت دخالت خود در اقتصاد بیفزاید (احمدی امویی، ۱۳۸۵: ۳۶۰). درحالی‌که سرمایه‌داران صنعتی از کشور فرار کرده بودند و یا اموال آن‌ها به خاطر وابستگی به رژیم سابق مصادره شده بود، سرمایه‌داران تجاری غیر تولیدی که چه به‌صورت عمده و یا خرده‌پا در تصمیمات هیئت حاکمه مشارکت داشتند؛ موفق گردیدند که در چارچوب واردات کالا بخش عظیمی از رانت نفتی کشور را به خود اختصاص دهند؛ به‌طوری‌که واردات کالاهای مصرفی در سال ۱۳۶۹ به میزان ۲۵ درصد نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش داشت. این مسئله نشان‌دهنده حاکمیت بازاریان غیر مولد بر منابع ارزی کشور و تخصیص رانت ارزی و نفتی به خود بود.

بنابراین از منظر نهادگرایی تاریخی می‌توان گفت پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، محیط نهادی ویژه ساختار اقتصاد رانتی که در دوران پهلوی بر کشور حاکم شده بود؛ تداوم یافت. در هر دو دوره اقتصاد به‌شدت به درآمدهای نفتی وابسته بود و دولت نقش مهمی در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجرای آن داشت. دخالت وسیع دولت در کلیه امور اقتصادی در دوران جنگ تحمیلی اگرچه باعث شد که مردم تحت فشار کمتری قرار بگیرند؛ اما باعث ایجاد مشکلات فراوانی در سال‌های پایانی جنگ شد و معضلاتی هم چون کسری بودجه دولت، کاهش درآمدهای ارزی، افزایش حجم نقدینگی، رشد نرخ تورم، افت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و شیوع فعالیت‌های غیرتولیدی و دلالی را به ارمان آورد. فعالیت‌های تولیدی و رشد محور در این دوره رشد بسیار اندکی داشت. در مجموع، پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۵، درآمدهای نفتی، بیش از ۴۲ درصد بودجه دولت را تشکیل می‌داد که این

ویژگی دولت جدید منطبق با نظریه دولت رانتیر است (جدول شماره ۳). همچنین جدول شماره ۴ حجم صادرات نفت، میزان درآمدهای نفتی و سهم بودجه نفتی در سیاستگذاری های دولت در دهه نخست پس از انقلاب را نشان می‌دهد (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۳. سهم دلارهای نفتی در بودجه دولت در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷

سال	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
صادرات نفت و گاز (میلیون دلار)	۲۴۱۵۸	۱۱۶۴۸	۱۰۶۱۹	۲۱۷۹۸	۲۱۱۵۰	۱۶۷۲۶	۱۳۷۱۰	۶۲۵۵	۱۰۷۵۵	۹۶۷۲
سهم بودجه نفتی	۷۱/۸	۶۷/۰	۵۹/۷	۶۷/۵	۶۴/۲	۵۱/۹	۴۵/۳	۲۵/۵	۳۹/۳	۳۸/۸

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره ۴. جایگاه صادرات نفت و گاز در طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۱

سال	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
صادرات نفت و گاز (میلیون دلار)	۲۳۴۵۱	۱۵۶۶۰	۲۴۱۵۸	۱۱۶۴۸	۱۰۶۱۹	۲۱۷۹۸
قیمت نفت (دلار)	۱۳/۹۲	۱۴/۰۲	۳۱/۶۱	۳۶/۸۳	۳۵/۹۳	۳۲/۹۷

منبع: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) و (www.bp.com)

۳) خصایل پایدار دولت رانتی و عملکرد آن در دولت سازندگی و اصلاحات (۱۳۶۸ -

۱۳۸۴)

پس از جنگ نشانه‌هایی از ظهور و قدرت‌یابی نیروهای بوروکراتیک و عمل‌گرا در سیاست ایران آشکار گردید. این دوره با به قدرت رسیدن هاشمی رفسنجانی به مقام ریاست‌جمهوری هم‌زمان بود و به دوره «سازندگی» مشهور گشت. دولت هاشمی، توسعه اقتصادی، اقتصاد آزاد و کاهش مداخله دولت در اقتصاد و تعامل بین‌المللی به نفع توسعه اقتصادی را در دستور کار خود قرار داد. آزادسازی اقتصادی و کاهش نقش دولت در اقتصاد کلید برنامه احیای اقتصادی محسوب می‌شد و هدف اصلاحات اقتصادی بالا بردن نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور بود (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۴۵۴).

محورهای اصلی برنامه تعدیل ساختاری که در کانون سیاست‌گذاری قرار داشت؛ عبارت

۱. در سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ که این رقم به کمتر از ۴۲ درصد رسید به دلیل، شوک منفی قیمت نفت و همچنین بروز جنگ

نفت‌کش‌ها بود.

بودند از: تعدیل نیروی انسانی، تضعیف ارزش پول ملی فعال کردن صرافی‌ها، آزادسازی تجاری، نرخ‌های بهره بالا به منظور دستیابی به نرخ بهره مثبت، خصوصی‌سازی، بازپرداخت سریع بدهی‌های خارجی، حذف یارانه‌ها، سمت‌گیری‌های انقباضی بودجه‌ای و اعتباری، کاهش نقش دولت در اقتصاد و اصلاحات نهادی موردنیاز برنامه تعدیل به‌ویژه در زمینه مالیاتی و تعرفه‌ای (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۲۵۳).

هاشمی موضوع تعدیل را یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال مشکل‌ترین مسائل اقتصادی کشور خواند. هاشمی نحوه کسب درآمد ملی از طریق فروش نفت را نادرست خواند و اظهار داشت: «این سیاست که ما نفت بفروشیم، کالای ارزان از خارج وارد کنیم و به قیمت ارزان بفروشیم، آثار زیان‌بار بسیاری دارد. در این صورت هیچ صنعتی نمی‌تواند در داخل کشور رشد کند و کشاورزی نیز اصلاً مقرون‌به‌صرفه نخواهد بود. به‌واسطه بهای نازل سوخت و دارو در ایران که بخش زیادی از آن‌ها وارد می‌شود و به علت قیمت گران‌تر آن در خارج از مرزهای کشور، بخش فراوانی از آن‌ها به کشورهای همسایه قاچاق می‌شود. همه چیز که در داخل کشور تولید شود و قیمت آن ارزان باشد خوب است، ولی اگر از محل فروش نفت باشد، بسیار زیان‌بار خواهد بود (بارخی، ۱۳۹۵: ۱۷۳ و ۱۷۴).

اگرچه دولت هاشمی تلاش کرد با اجرای سیاست گشایش اقتصادی و برنامه تعدیل ساختاری، گسستی از مسیر گذشته توسعه ایجاد و افقی نو به روی مسیر پیشرفت ایران بگشاید؛ با این حال در این راه با موانع بسیاری روبرو شد. «در کشورهای درحال توسعه نظیر ایران که در آن دولت، قدرت نظارت مؤثر بر تمام طبقات جامعه را نداشته، اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی باعث فشار بر اقشار پائین و بهره‌مندی طبقه بالای جامعه می‌شود و در نتیجه‌ی گسست در سیاست‌های پولی‌سنجی، پایگاه اجتماعی رژیم مورد هدف قرار می‌گیرد که تحت چنین شرایطی در نهایت دولت مجبور به عقب‌نشینی از برنامه‌های خود می‌شود» (دل‌فروز؛ ۱۳۹۳: ۲۵۱). نخبگان تصمیم‌گیر در دولت سازندگی برای ختنی نمودن فشارهای نیروهای مذکور، به هزینه و ریسک‌پذیری زیادی نیاز داشتند. ناگزیر به حفظ حکومت با ریسک کمتر و نیز حل بحران‌ها از طریق دلارهای نفتی رهنمون شدند این به‌طور دقیق همان الگویی بود که نخبگان دولت پهلوی در عرصه اقتصاد سیاسی انتخاب کرده بودند.

در دولت خاتمی نیز برنامه سوم توسعه جهت تغییر مسیر نهادهای نفتی به اجرا گذاشته شد که این برنامه شامل شکل دادن به یک حساب ذخیره ارزی بود که باید از سال ۱۳۷۹ به بعد، هر سال قسمتی از دلارهای نفتی، پس‌انداز می‌شد؛ اما هر ساله فقط سهم خیلی کوچکی از عایدات نفتی در این حساب ریخته شد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵. سهم حساب ذخیره ارزی از درآمدهای نفتی

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	معدل
صادرات نفت و گاز (میلیون دلار)	۲۴۲۸۰	۱۹۳۳۹	۲۲۹۹۶	۲۷۳۵۵	۳۶۳۱۵	-
واریزی به حساب ذخیره ارزی	۵۹۴۳/۷	۱۸۳۸/۷	۵۵۹۵/۹	۵۵۰۸/۴	۱۰۲۰۷/۳	-
سهم حساب ذخیره ارزی از صادرات نفت و گاز (درصد)	۲۴/۵	۹/۵	۲۴/۴	۲۰/۱	۲۸/۱	۲۱/۳

مأخذ: (وزارت امور اقتصاد و دارایی) و (بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی)

در حقیقت تا پیش از ایجاد حساب ذخیره ارزی، دولت، مشکلات مربوط به کسری بودجه را از طریق درآمدهای نفتی حل می‌کرد و اکنون نمی‌توانست از مرز وابستگی به گذشته عبور کند. بنابراین نیروهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی پایبند به نظم اقتصاد رانتی، با ایجاد موانع در برابر رشد اقتصادی، نخبگان تصمیم‌گیر دولت اصلاحات را به اتخاذ سیاست برداشت بیشتر از مقدار تعیین شده اولیه در بودجه، از حساب ذخیره سوق دادند (جدول شماره ۶). در این شرایط نخبگان تصمیم‌گیر دولت اصلاحات الگوی وابستگی به مسیر طی شده گذشته را جهت رفع موانع رشد اقتصادی در پیش گرفتند. از این رو مشاهده می‌شود که تداوم سیاست‌های اقتصادی دوره پهلوی، توسط نخبگان تصمیم‌گیر در دوره اصلاحات، باعث گردید؛ نظم نهادهای نفتی شکل یافته در دوره پهلوی، به‌عنوان الگویی برجسته، نقش‌های تعریف‌شده‌ای را برای کنشگران دولت اصلاحات معین کند.

جدول شماره ۶. مقایسه عملکرد و مصوب برداشت از حساب ذخیره ارزی (میلیارد دلار)

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
مصوب اولیه برداشت از حساب ذخیره	-	-	۴/۵	۴/۵	۵/۶
عملکرد	-	۰/۷	۴/۵	۴/۴	۷/۵

مأخذ: قوانین بودجه سنواتی و قوانین برنامه‌های توسعه

۳-۱- جایگاه بخش خصوصی نفتی در ساختار دولت سازندگی و اصلاحات

خصوصی‌سازی یکی از اهداف عمده و اساسی برنامه اول بود؛ با تصویب برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی مبنای حقوقی سیاست خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران پایه‌گذاری شد و با تصویب قوانین و مصوبات بعدی به اجرا درآمد. موضوع خصوصی‌سازی از سال ۱۳۶۸ در خط‌مشی‌ها و سیاست‌های برنامه اول توسعه مطرح شده و زمینه اجرایی آن در سال ۱۳۷۰ با اعلام فهرست چهارصد شرکت

دولتی به منظور کاهش حجم تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی غیر ضروری و افزایش کارایی فعالیت‌های اقتصادی فراهم گردید. با این حال، اقدامات دولت هاشمی برای کاستن از هزینه‌ها و بار مالی دولت با مخالفت گروه‌ها و نهادهایی روبرو شد و دولت نتوانست برنامه‌های مدنظر خود را پیاده کند. برخی افراد و گروه‌های سیاسی با سیاست پراگماتیستی هاشمی در آزادسازی اقتصادی مخالفت کردند. اگرچه محافظه‌کاران از برنامه اقتصادی دولت هاشمی حمایت به عمل می‌آوردند؛ با این حال، به مخالفت خود با آزادسازی تجاری در ایران ادامه دادند» (Ehteshami & Zweiri: 2007: 4) چپ‌های اسلامی نیز معتقد بودند که سیاست‌های جدید اقتصادی به نفع ثروتمندان و به ضرر تهیدستان است؛ لذا با سیاست‌های اصلاحی دولت رفسنجانی مخالفت کردند» (کدی؛ ۱۳۸۳: ۵۴). بنابراین مشکلاتی از جمله رقابت‌های جناحی و اختلاف‌های ایدئولوژیکی باعث دست کشیدن از این سیاست‌ها یا تغییر اساسی آن‌ها شد (کدی؛ ۱۳۸۳: ۵۵-۵۶). مجلس، اولین برنامه خصوصی سازی را در تابستان ۱۹۹۴ به اتهام فساد و فروش به صورت غیر مزایده‌ای متوقف کرد و بار دوم نیز به دلیل اختصاص خصوصی سازی به کارگران در سال ۱۹۹۵-۱۹۹۷ متوقف شد و بار سوم نیز در زمان ریاست جمهوری خاتمی در طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ متوقف گردید» (Arjomand: 2009: 57). رابطه مستقیم میان رشد بازار و رانت نفتی حاکم بود (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷. نسبت میان نرخ رشد تسهیلات اعطایی و صادرات نفت و گاز

سال	نرخ رشد کشاورزی	نرخ رشد ساختمان	نرخ رشد بازرگانی و خدمات	نرخ رشد صنعت و معدن	نرخ رشد کل	نرخ رشد صادرات نفت و گاز
۱۳۶۸-۷۱	۳۱/۵	۲۸/۵	۴۹/۸	۴۹/۱	۳۷/۴	۱۴/۹
۱۳۷۲-۴	۲۵/۸	۱۹/۰	۱۹/۱	۲۳/۲	۱۸/۲	-۳/۶
۱۳۷۴-۸	۳۲/۷	۲۹/۴	۲۵/۲	۲۳/۴	۲۹/۲	۳/۱
۱۳۷۹-۸۳	۲۹/۶	۲۹/۸	۵۰/۲	۴۱/۷	۳۶/۷	۱۶/۳

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی

روی هم رفته روند خصوصی سازی نتوانست به اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌های اول و دوم دست یابد. نظام اقتصادی ایران در عمل زیر سلطه مؤسساتی مانده بود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دولت تعلق داشتند؛ ولی توسط دایره بسیار محدودی از افراد نزدیک به دولت هدایت می‌شدند. نخبگان سیاسی رقیب، همگی از دولتی بودن اقتصاد و وجود انحصارت، رانت‌ها، امتیازات بهره‌مند می‌شدند و یک نوع الیگارشویی بر نظام سیاسی و اقتصادی- اجتماعی ایران حاکم گردید، بنابراین

مقامات یا بورژوازی دولتی و بورژوازی تجاری یا صاحبان نقدینگی عظیم هر دو از دولتی بودن منافع، رانت‌ها و امتیازات استفاده می‌کردند و خصوصی‌سازی اندک هم نوعی حراج و یا جابجایی‌های غیر مولد کارخانه‌های سودآور بود. بدین ترتیب پایداری ذهنیت و رویه‌های نهادی رانتی نشان داد که «اگرچه بخش بزرگی از سرمایه‌داران وابسته در اثر انقلاب کشور را ترک کردند؛ ولی نسل جدید و جدا از آن طبقه با برخورداری از امکانات عظیم و خلأ پدید آمده ناشی از شکست سیاست‌های اقتصاد دولتی، در چارچوب سیاست خصوصی‌سازی اقتصاد به طور تدریجی شکل گرفت که همچنان به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت چشم دوخته است» (کرد زاده کرمانی، ۱۳۸۰: ۷۴).

۳-۲- سهم بودجه نفتی در ساختار دولت سازندگی و اصلاحات

دولت‌های سازندگی و اصلاحات طی برنامه‌های اول تا سوم توسعه سیاست تغییر مسیر بودجه نفتی را در سر داشتند؛ با این حال، در انجام این کار با موانع بسیاری روبرو شدند. تنظیم بودجه دولت بعد از پایان جنگ تحمیلی، متأثر از قطب‌بندی‌های سیاسی و اختلافات ایدئولوژیکی نیروهای سیاسی و اجتماعی بود و با توجه به اینکه این نیروهای خُورگرفته با منافع و ارزش‌های دولت رانتی درصدد تأمین و بیشینه‌سازی منافع خود از درآمدهای نفتی بودند؛ این امر باعث پایداری ویژگی‌های رانتی ساختار بودجه گردید. «اقتصاد دلالی که در همه تاروپود تفکر اقتصادی ایران حاکم است؛ عمده‌ترین علت ائتلاف درآمدهای نفتی است» (سیف؛ ۲۰۱۲: ۱۲۴) این تحلیل نشان‌دهنده تأثیر فشار نیروهای مؤثر سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بر تصمیمات نخبگان تصمیم‌گیر در جهت پایداری بودجه نفتی است که از مؤلفه‌های مورد توجه نظریه نهادگرایی تاریخی است. از طرف دیگر بودجه کشور به دلارهای نفتی وابسته بود. در این راستا بیش از ۴۲ درصد بودجه جهت هزینه دو برنامه اول و دوم، از رانت نفتی تأمین شد که با نظریه دولت رانتیر مطابقت دارد (جدول شماره ۸).

درواقع همانند سیاست‌های تنظیم بودجه در دولت نفتی پهلوی، سهم نفت در سیاست‌های تنظیم بودجه دولت‌های سازندگی و اصلاحات، به مثابه رویه‌ای نهادین، رفتارهای بازیگران دولت‌های مذکور را محدود کرد و نقش غیرقابل انکار خود را در این فرایند به اثبات رساند. در این راستا در طول اجرای برنامه سوم، سهم عایدات نفتی در بودجه، به طور متوسط به حدود ۵۹/۴ درصد رسید (جدول شماره ۹).

جدول ۸. سهم نفت در بودجه دولت طی برنامه اول و دوم

برنامه‌ها	سال	نرخ رشد صادرات نفتی	نرخ رشد بودجه	سهم نفت در بودجه دولت
برنامه اول توسعه	۱۳۶۸	۲۴	۵۲	۴۷/۷
	۱۳۶۹	۴۹	۷۷	۵۹/۸
	۱۳۷۰	-۱۱	۲۳	۵۱/۱
	۱۳۷۱	۵	۴۳	۵۲
	۱۳۷۲	-۱۵	۱۰۵	۷۲/۵
	۱۳۷۳	۲	۴۴	۷۳/۴
برنامه دوم توسعه	۱۳۷۴	۳	۴۲	۶۴/۱
	۱۳۷۵	۲۸	۳۷	۶۴/۱
	۱۳۷۶	-۲۰	۹	۵۸/۴
	۱۳۷۷	-۳۶	-۱۴	۴۲
	۱۳۷۸	۷۲	۷۲	۴۷/۹

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره ۹. سهم درآمدهای نفتی در بودجه کل از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	متوسط
درآمدهای نفتی بودجه (میلیارد ریال)	۵۹۴۴۸/۲	۷۱۹۵۷/۱	۱۰۲۶۲۶/۴	۱۲۸۱۵۳/۹	۱۵۰۴۱۳/۳	-
سهم از بودجه (درصد)	۵۶/۸	۵۷/۳	۶۲/۴	۶۱/۷	۵۹/۰	۵۹/۴

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در برنامه سوم توسعه نیز به رغم اینکه نخبگان تصمیم‌گیر دولت اصلاحات، بانی طرح حساب ذخیره ارزی بودند؛ ولی مقاومت نیروهای مدافع نظم اقتصادی رانتی، باعث اعمال فشار بر دولت و در نهایت به پیروی دولتمردان اصلاحات از نظم بودجه رانتی دوره پهلوی منجر گردید.

۳-۳ سهم ارزآوری نفتی در ساختار دولت سازندگی و اصلاحات

در این دوران نیز مانند دوره پهلوی، بخش تولیدی کشور نتوانست سهم مهمی را در تأمین ارز موردنیاز دولت داشته باشد. در دولت خاتمی نگاه به نفت تغییر کرد؛ تا نفت به عنوان درآمد دولت تلقی نشود؛ بلکه به سرمایه ملت تبدیل شود. به دنبال این رویکرد دولت خاتمی، ایجاد حساب ذخیره

ارزی موردتوجه قرار گرفت و در ماده ۶۰ برنامه سوم و همچنین در ماده یک برنامه چهارم، موضوع واریز مازاد درآمد ارزی دولت در دستور کار قرار گرفت؛ تا در مواقعی که کشور با نوسان قیمت نفت روبه‌رو شد، دولت بتواند از این منابع ذخیره شده استفاده کند. طبق جدول زیر سهم بزرگی از ارز موردنیاز دولت، از ناحیه صادرات نفت و گاز تأمین می‌شد (جدول شماره ۱۰). از آنجاکه الگوی ذهنی ارزآوری نیروهای مؤثر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دولت‌های سازندگی و اصلاحات برگرفته از رویه‌های نهادین دولت رانتی دوره پهلوی بود؛ لذا اجرای این الگوها به ضرورت تداوم مسیر ارزآوری نفتی منجر گردید.

جدول ۱۰. سهم صادرات نفتی از کل صادرات در برنامه اول و دوم (میلیون دلار)

برنامه‌ها	سال	کل صادرات	صادرات نفت و گاز	سهم صادرات نفت و گاز (درصد)
برنامه اول توسعه	۱۳۶۸	۱۳۰۸۱	۱۲۰۳۷	۹۲
	۱۳۶۹	۱۹۳۰۵	۱۷۹۹۳	۹۳/۲
	۱۳۷۰	۱۸۶۶۱	۱۶۰۱۲	۸۵/۸
	۱۳۷۱	۱۹۸۶۸	۱۶۸۸۰	۸۵
	۱۳۷۲	۱۸۰۸۰	۱۴۳۳۳	۷۹/۳
	۱۳۷۳	۱۹۴۳۹	۱۴۶۰۳	۷۵/۱
برنامه دوم توسعه	۱۳۷۴	۱۸۳۶۰	۱۵۱۰۳	۸۲/۳
	۱۳۷۵	۲۲۳۹۱	۱۹۲۷۱	۸۶/۱
	۱۳۷۶	۱۸۳۸۱	۱۵۴۷۱	۸۴/۲
	۱۳۷۷	۱۳۱۱۸	۹۹۳۳	۷۵/۷
	۱۳۷۸	۲۱۰۳۰	۱۷۰۸۹	۸۱/۳

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

به‌بیان‌دیگر تا زمانی که ارزآوری نفتی، نتیجه مورد انتظار را برای این نیروهای پایبند به نظم اقتصاد رانتی، فراهم می‌آورد؛ این نیروهای سیاسی و گروه‌های اجتماعی پشتیبان آنها انگیزه جدی برای تغییر آن الگو نداشتند. در این راستا حتی بعد از اجرای طرح حساب ذخیره ارزی، نیز وجوه نفتی منبع اصلی تأمین ارز دولت بود که ۸۲/۲ از سهم کل صادرات کشوری، از منابع نفتی تأمین شد که منطبق با نظریه دولت رانتیر است (جدول شماره ۱۱).

جدول شماره ۱۱. سهم صادرات نفتی از صادرات کشور در دوره برنامه سوم

متوسط	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	سال
-	۴۳۸۵۲	۳۹۹۹۱	۲۸۲۳۷	۲۳۹۰۴	۲۸۴۶۱	صادرات نفت و گاز (میلیون دلار)
۸۲/۲	۸۲/۸	۸۰/۵	۸۱/۳	۸۰/۹	۸۵/۳	سهم صادرات نفت و گاز (درصد)

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

درواقع نیروهای پایبند به نظم اقتصادی رانتیه، نهادهایی موازی با دولت ایجاد کردند و بخش عمده‌ای از سیستم ارزآوری را تحت کنترل خود گرفتند و با دارا بودن امتیازاتی مانند معافیت مالیاتی و عدم پاسخگویی به دولت، به سودهای فراوانی رسیدند؛ این امر نشان‌دهنده نقش نیروهای سیاسی و اجتماعی در پایداری ارزآوری نفتی است.

۳-۴- رونق تولید نفتی در ساختار دولت سازندگی و اصلاحات

دولت‌های پس از انقلاب با توجه به غالب بودن تفکر و ذهنیت و نهاد رانتی در حوزه تولید نیز به طور عمده رویکردی تخصیصی و توزیعی داشتند و در عمل به نهاد توزیع‌کننده رانت نفتی بدل گردیدند؛ که توان و اراده تقویت و حمایت از بخش خصوصی مولد و مستقل را نداشت. در واقع، «نظام سرمایه‌داری نفتی در دوره بعد از انقلاب نیز ادامه یافت؛ نگرش دلال‌باوری و تولیدگریزی نه فقط دست‌نخورده باقی ماند، بلکه تشدید شد و تولید، به خاطر سوء مدیریت که اتفاق افتاد؛ متزلزل‌تر گشت» (احمد سیف؛ ۲۰۱۲: ۲۷). «توزیع رانت نفتی توسط دولت سرمایه‌دار خصوصی را عمدتاً غیر ملی و غیر تولیدی و وابسته به دولت نموده است. این پدیده در دو دهه اول بعد از انقلاب با رانت ارزی (تفاوت نرخ رسمی و بازار آزاد) وضعیت را بدتر نمود و موجب شد بخش خصوصی به جای تولید و ایجاد ارزش افزوده همیشه دنبال دریافت مبالغی بالاتر ارز به نرخ رسمی و واردات ماشین‌آلات و مواد اولیه و فروش آن کالاها و مواد اولیه به نرخ آزاد در بازار داخلی باشد» (کرد زاده کرمانی؛ ۱۳۸۰: ۷۴). با اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، نوعی نظام کلاسیکالیستی یا حامی‌پروری شکل گرفت و بستر مناسبی برای توزیع رانت‌های اقتصادی فراهم گردید (طاهری، ۱۳۸۵: ۱۲۳). نظام حامی-پیرو که در دوران رژیم پهلوی میان دولت و اعضای جامعه شکل گرفته بود؛ از طریق این نیروهای مدافع نظم اقتصادی رانتیه، در دولت‌های سازندگی و اصلاحات نیز بازتولید شد. با توجه به اینکه تغییر ساختار اقتصادی موقعیت و جایگاه نیروهای اقتصادی-اجتماعی تاثیرگذار را متزلزل می‌کرد؛ لذا این نیروها، در تقابل با نخبگان تصمیم‌گیر حامی تولید غیرنفتی قرار گرفتند. «کارگزاران

سازندگی، با دفاع از منطق تولید در برابر منطق تجارت، جناح راست سنتی را که ریشه در بازار و فعالیت‌های تجاری داشت؛ مورد چالش قرار داد؛ تحت چنین شرایطی این دو جریان یکدیگر را مورد نقد قرار دادند» (یارخی؛ ۱۳۹۵: ۲۲۹) و دولت در واقع میان سیاست رشد سرمایه‌گذاری و حفظ پایگاه‌های طبقاتی خود معلق شده بود. در این دوران نیز همانند دوره محمدرضاشاه، با افزایش درآمدهای نفتی، نرخ رشد بخش تولیدی کشور روند صعودی به خود گرفت (جدول شماره ۱۲).

جدول شماره ۱۲. نسبت میان نرخ رشد صادرات نفتی و نرخ رشد سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف

سال	۱۳۶۸-۷۱	۱۳۷۲-۴	۱۳۷۴-۸	۱۳۷۹-۸۳
نرخ رشد سرمایه‌گذاری	۱۴/۶	-۹/۸	۱۱/۳	۱۰/۷
نرخ رشد بخش دولتی	۱۶/۸	۶/۸	۳/۵	۶/۱
نرخ رشد بخش خصوصی	۱۳/۸	-۱۹/۳	۱۷/۸	۱۳/۰
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی با نفت	۹/۰	۱/۹	۴/۲	۶/۵
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت	۸/۸	۱/۶	۳/۳	۶/۱
نرخ رشد صادرات نفت و گاز	۱۴/۹	-۳/۶	۳/۱	۱۶/۳

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۳-۵- جامعه نفتی در ساختار دولت سازندگی و اصلاحات

فرهنگ جامعه نفتی همچون مقوله‌ای تاریخی برآیند علایق و منافع بازیگران سیاسی اجتماعی دولت نفتی پهلوی بود. دولت‌های پس از انقلاب نیز به رغم تحول انقلابی، در عمل میراث‌دار این فرهنگ بوده‌اند. از این رو، دولت‌های سازندگی و اصلاحات اگرچه جهت تغییر مناسبات جامعه نفتی، سعی نمودند؛ با کاهش پرداخت یارانه‌های دولتی، روحیه رانتی جامعه را از بین ببرند؛ ولی موفق نشدند. زیرا بازیگران سیاسی اجتماعی واجد ذهنیت رانتی، جهت کسب حداکثری رانت‌های نفتی، دست به ایجاد کارزار فشار علیه نخبگان تصمیم‌گیر طرفدار تغییر مسیر زدند. به بیان دیگر تداوم جامعه رانتی در این دوره، وابسته به قرارداد بین نیروهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بود که از طریق این نوعی قرارداد نانوشته اجتماعی، می‌توانستند؛ به حداکثر منافع خود برسند. «در دولت‌های رانتی همان‌طور که رانت‌ها هزینه می‌شود بازیگران داخلی جدیدی چون کارفرمایان و مجریان و دریافت‌کنندگان یارانه‌ها ایجاد می‌شوند و همین گروه‌ها، مانورهای آزاد دولت را در بلندمدت محدود

می‌کنند» (کرد زاده کرمانی؛ ۱۳۸۰: ۵۴). بعد از انقلاب و به‌خصوص بعد از جنگ گروه‌ها و افرادی در کشور رشد کردند که عادت به استفاده از رانت‌های دولتی و سودجویی زالو وار از امکانات دولتی پیدا کردند و از این راه آن‌ها رانت‌های متعددی به دست آوردند و قسمت اعظم سرمایه‌داران نوکیسه از آنجا پدید آمد. پس از خرید کارخانه، زمین و امکانات کارخانه را می‌فروختند و پول آن را از کشور خارج کردند و یا در داخل پول آن را صرف کارهای تجاری و بازرگانی و واسطه‌گری کردند» (احمدی آمویی؛ ۱۳۸۵: ۳۹۶ - ۳۹۷). «در برنامه اول توسعه اقتصادی، ۴۲ درصد از درآمدهای ملی به ۱۰ درصد خانواده‌های ثروتمند اختصاص یافت؛ درحالی‌که ۲۰ درصد خانواده‌هایی که طبقه پایین جامعه را تشکیل می‌دادند فقط ۳/۸ درصد از این درآمد، نصیب آن‌ها شد». (احتشامی، ۱۳۷۸: ۵۳ و ۵۴). در حقیقت روابط نفتی بین جامعه و دولت در این دوران، تصویر کپی شده‌ای از روابط بین جامعه و دولت پهلوی بود.



نمودار ۳. راز بقای ساخت دولت رانتیه در دولت‌های سازندگی و اصلاحات

در این راستا تغییر مسیر جامعه نفتی توسط نهاد دولت، در ایران مشکل بود؛ زیرا که مقاومت طبقات و نیروهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خُوگرفته به نظم اقتصاد رانتی، در برابر نخبگان تصمیم‌گیر طرفدار تغییر مسیر جامعه نفتی، باعث شکل‌گیری انحصارگری و شکاف در بین گروه‌های جامعه شده بود. همانگونه که بشیریه اشاره می‌کند؛ «با اجرایی‌سازی اصلاح ساختار اقتصادی ایران طبقات سرمایه‌داری تجاری و گروه‌های نوظهور صنعتی با یکدیگر ائتلاف کردند. نتیجه این امر را می‌توان ظهور ساختار الیگارشیک جدید دانست» (بشیریه، ۱۳۸۱: ۹۱). ائتلافی که ماهیت آن نشان دهنده حفظ مناسبات موجود و فقدان اراده و توان لازم برای انجام تحول اجتماعی است؛ سایه این سیکل معیوب تا به امروز نیز بر سر اقتصاد سنگینی می‌کند و مانع اجماع ملی نخبگان برای تدوین سیاستگذاری‌های توسعه ملی شده است.

نتیجه‌گیری

چنانکه در متن پژوهش اشاره گردید؛ از دهه ۱۳۴۰ ش به این سو درآمدهای نفتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نهادهای بوروکراتیک و اجرایی و همچنین شکل‌دهی به علایق و منافع نیروهای سیاسی اجتماعی پشتیبان نظم دولت رانتی ایفا کرد. به گونه‌ای که از منظر رویکرد نهادگرایی تاریخی می‌توان گفت؛ دولت نفتی و رویه‌های خاص نوع متمایزی از محیط نهادی را به وجود آورد و با تبدیل خود به «نهادی» مستقل و تعیین‌کننده در امر حکمرانی، «مسیر» تازه‌ای به روی برنامه‌های توسعه و سیاستگذاری‌های اقتصادی دولت گشود. انقلاب اسلامی اگرچه تحولی شگرف در بسیاری از ساختارها و ارزش‌های کهن جامعه ایران ایجاد نمود؛ با این حال نهاد دولتی رانتی که در دهه‌های قبل شکل گرفته بود و تأمین‌کننده منافع و علایق تثبیت‌شده نیروهای اجتماعی و بوروکراتیک جامعه ایرانی بود؛ نظم مورد نظر خود را به ساختار جدید و همچنین ذهنیت تصمیم‌گیران و سیاستگذاران انقلابی تحمیل نمود. ماهیت ایدئولوژیک انقلاب و تلاش برای برپایی یک جامعه آرمانی اسلامی توأم با عدالت توزیعی در قانون اساسی و سپس وقوع جنگ، جهت‌گیری دولت گرایانه و وابستگی به درآمدهای نفتی را تشدید بخشید. پس از پایان جنگ نیز الزامات ساختاری و همچنین ضرورت محقق ساختن تعهدات انقلابی و مردم‌گرایانه نظام جدید دولت‌های سازندگی و اصلاحات به ناچار در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی ۵ ساله، گام در مسیر اجرای سیاست‌های دهه‌های پیشین گذاشتند. به عبارت روشن‌تر، الگوی بازتوزیع دلارهای نفتی میان بخش‌های مختلف جامعه از طریق

اعمال سیاست‌های یارانه‌ای بستر را برای ظهور گروه‌های رانت‌جو و فرصت‌طلب در در حوزه سیاست و اقتصاد فراهم کرد. این گروه‌ها کنترل شرکت‌ها و مؤسسات دولتی را به دست گرفتند و از طریق اخذ مستقیم یارانه‌ها و گرفتن وام با بهره‌های کم، برنده شدن در مزایده‌های دولتی سودآور، شرکت‌های انحصاری را شکل دادند و سودهای زیادی را بدون پرداخت مالیات به دست آوردند. این سودها به جای این که در حوزه تولید به جریان افتد موجب شکل‌گیری نوعی سرمایه‌داری حاشیه‌ای یا سرمایه‌داری نفتی در ایران شد. بنابراین در اقتصاد سیاسی ایران همواره یک خصلت بنیادین در ساختار دولت تداوم داشته است و این خصلت پایدار تاریخی، گرایش نخبگان مسلط به توسعه هسته سرمایه‌داری دولتی و اقمار شبه‌دولتی آن بوده است. از این رو، به‌رغم تغییر نخبگان، ساختارها و سیاست‌های کلان اقتصاد سیاسی، بار دیگر گرایش به اقتصاد دولتی تداوم یافت. بدین ترتیب در تاریخ اقتصاد سیاسی ایران معاصر فرایند عدم گذار از اقتصاد دولتی به ترکیب متوازی از نقش دولت و بازار غالب بوده است.

به نظر می‌رسد دگرگونی رویه‌های نهادی خاص نفتی برجای‌مانده از دوره پهلوی و تغییر الگوی وابستگی به مسیر طی شده دولت رانتی که مبتنی بر نظم و هنجارهای نهادین نفتی است؛ مستلزم توانمند ساختن دوجانبه دولت و جامعه است. در حوزه سیاستگذاری مستلزم اصلاح و تغییر ساختاری قانون انتخابات اعم از نمایندگان مجلس و شوراهای و غیره و همچنین اصلاح قوانین استخدام و ترفیع کارمندان و مدیران رده‌بالای ادارات دولتی است؛ تا با اصلاح این قوانین امکان جایگزینی نخبگان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی طرفدار تحول فراهم شود. افزون بر این، سیستم گردش نخبگان در جامعه اصلاح یا تغییر نماید به نحوی که قانون آئین الیگارشسی شکسته شده و اجازه ورود نخبگان و متخصصان خلاق طرفدار ایده‌های جدید به رأس ساختار اقتصادی و به‌ویژه حوزه تصمیم‌گیری داده شود. به گونه‌ای که نیروهای تحصیل‌کرده و پایبند به ارزش‌ها و هنجارهای تحول‌آفرین، بتوانند از طریق اجرای بلندمدت سیاست‌هایی مانند اصلاح نظام مالیاتی، ایجاد صندوق توسعه، اصلاح نظام نظارتی و توزیعی و تغییر ساختار آموزش و پرورش، الگوی دولت و اقتصاد غیرنفتی را عملی سازند. از سوی دیگر نیروهای پیشرو جامعه مدنی و به‌ویژه بخش اقتصادی و استراتژیک این حوزه یعنی بخش خصوصی برای مشارکت در حوزه‌های اقتصادی کلان و نیز سایر تشکلات جامعه مدنی که رویکرد انتقادی سازنده دارند؛ جهت پاسخگو کردن و مسئولیت‌پذیری هرچه بیشتر دولت باید تقویت گردند.

منابع

الف- کتب و مقالات فارسی

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی: اقتصاد، دفاع و امنیت، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۲)، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، خاطرات عزت‌الله سبحانی، محسن نوربخش، حسین عادل، مسعود روغنی زنجانی، مسعود نیلی، محمدعلی نجفی، تهران: گام نو.
- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس
- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۲)، «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، ترجمه محمدتقی دلفروز، مطالعات راهبردی، بهار ۱۳۸۲، صفحه ۱۴۱-۱۱۹، شماره ۱۹.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: نگاه معاصر.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۷) دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳)، دولت و توسعه اقتصادی (اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا)، تهران: انتشارات آگاه
- سیف، احمد (۲۰۱۲)، اقتصاد سیاسی ایران معاصر دوران سازندگی و اصلاحات، تهران، نشر اچ اند اس (H&S)
- سفیری، مسعود (۱۳۸۷)، حقیقت مصلحت‌ها، گفتگو با هاشمی رفسنجانی، تهران: نشر نی
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و عباسی، عالیه (۱۳۹۷)، «دولت رانتی و چالش‌های دولت‌سازی در

- عصر پهلوی دوم (۱۳۳۲-۱۳۵۷)، «فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، بهار ۱۳۹۷، دوره ۹، شماره ۳، صص ۱۱۴-۱۴۹»
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، «رانت جویی سیاسی و پیامدهای آن» فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره ۳، زمستان ۸۵، صص ۹۹-۱۳۰
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۴)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز
- کاظمی، حجت (۱۳۹۲)، «نهادگرایی به‌عنوان الگویی برای تحلیل سیاسی»، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۱-۲۷
- کارشناس، مسعود (۱۳۸۲)، نفت دولت و صنعتی شدن در ایران، ترجمه حاجی عبدالوهاب، یوسف؛ سعیدی، علی اصغر، تهران: گام نو.
- کارل، تریلین (۱۳۸۸)، معمای فراوانی رونق نفتی و دولت‌های نفتی، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران: نشر نی.
- کدی، نیکی ار (۱۳۸۳)، نتایج انقلاب ایران، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس
- کرد زاده کرمانی، محمد (۱۳۸۰)، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر وزارت امور خارجه
- منوچهری، عباس (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی تاریخی و دیالکتیک تجدد در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹، صص ۱۵۹-۱۷۸.
- میرترابی، سید سعید (۱۳۹۶)، «دلایل استمرار ساخت رانتیری دولت در دوران پس از انقلاب (با تأکید بر سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول، صص ۲۰۵-۲۳۶
- نورث، داگلاس (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، تهران: سازمان

برنامه‌بودجه.

– هابدن، استفن (۱۳۷۹)، روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی تاریخی (فروریزی مرزها)، ترجمه جمشید زنگنه، دفتر مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل، چاپ اول.

– یارخی جوشقانی، حسینعلی (۱۳۹۵)، همراه سازی بخشی در جمهوری اسلامی ایران، رابطه دولت و طبقات اجتماعی در ایران پس از انقلاب، رساله دکتری دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

ب- اسناد و گزارش‌ها

– قوانین بودجه سنواری و قوانین برنامه‌های توسعه، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۸۳)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبری رئیس‌جمهور.

ج- منابع لاتین

- Ashraf. A (1969), "Historical obstacles to the Development of a Bourgeoisie in Iran", *Iranian studies*, 2 no, 2-3, (Speing 1969), pp. 54-79.
- Arjomand, Said Amir (2009), *Afther Khomeini.:IRan Undder His Successors*.Oxford Universi press.
- Beblawi, H & Luciani, G (1987), *The Rentier State*, London: croom Helm.
- Dodd, Lawrence C. & Calvin C. Jillson (1994), *Dynamics of American Politics: Approaches and Interpretations*, Westview Press.
- Ehteshami Anoushirvan& Mahjoob Zweiri (2007), *Iran and the Rise of its Neoconservatives The Politics of Tehran's Silent Revolution* I.B.TAURIS, London / New York.
- Giacomo, Luciani (1987), *Allocation V.S. Production States: A Theoretical Framework*,in Beblawi and Luciani (Eds), *The Rentier State*, London:Croom Helm.

- Holm, P (1995), "the dynamics of institutionalisation: transformation processes in Norwegian fisheries", *Administrative Science Quarterly*, pp 398-422.
- Jesi, T, and Wiliyamz, B.J (2005), *elaborating the new institutionalism*, Arena Working Paper, 11.
- Karshenas, Massoud (1990), *Oil, State and Industrialization in Iran*, Cambridge: Cambridge University Press, p. xvii.
- Knight, jack (1992), *Institutions and social conflict*, Cambridge: Cambridge University perss.
- Kathleen Thelen & Frank Longstreth (1992), *Structuring Politics: Historical Institutionalism in Comparative Analysis*, New York: Cambridge University Press.
- March, J. G, & Olsen, J. P (1989), *Rediscovering Institutions: the Organizational Basis of Politics*, New York: Free Press.
- Mahdavy, Hosein (1970), the Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: the Case of Iran, in Cook, M. A.
- Najmabadi, Afsaneh. (1987). "Depolitisation of a Rentier State. The Case of Pahlavi Iran", in Beb-lawi, Hazem / Luciani, Giacomo. (Eds.). *The Rentier State*, London: Croom Helm, pp 211-227.
- North, Douglass, C (1990), *institution, institutional change and economic performance*, Cambridge: Cambridge university press.
- Steinmo, Sven (2008), "Historical institutionalism", in: *Donatella della Porta and Michael Keating Approaches and Methodologies in the Social Sciences: A Pluralist Perspective*, Cambridge University Press.
- Jeffrey D. Sachs & Andrew M. Warner, 1995. "Natural Resource Abundance and Economic Growth," *NBER Working*, Papers 5398, National Bureau of Economic Research, Inc

د- منابع الکترونیکی

- سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نسبت تولید غیرقابل مبادله به قابل مبادله و نرخ رشد صادرات نفت و گاز و نرخ رشد سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف و درآمدهای نفت در بودجه دولت طی برنامه اول و دوم و صادرات نفت و گاز از کل صادرات در برنامه اول و دوم و سوم و صادرات نفت و گاز در طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۳ قابل دسترس در www.cbi.ir.
- سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی ایران ۱۳۳۸-۱۳۹۱ بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳، (دی‌ماه ۱۳۹۳)، اداره حساب‌های اقتصادی، ص ۲۲۲، جدول ۵۷ و ۵۸، قابل دسترس در <https://www.cbi.ir/page/12716.aspx>
- سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، صادرات نفت سال ۱۳۷۹-۱۳۸۳، قابل دسترس در: <https://www.cbi.ir/page/4275.aspx>
- سایت وزارت امور اقتصاد و دارایی، معاونت امور اقتصادی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی، کارکرد حساب ذخیره ارزی تا انتهای برنامه سوم توسعه و سهم حساب ذخیره ارزی از درآمدهای نفتی به درصد سال ۱۳۷۹-۱۳۸۳، قابل دسترس در: <http://pooli.mefa.ir/Portal/Home/default.aspx>